

## تاثیر نقوش ایرانی بر هنر قلمکاری هند در دوره صفوی

دکتر فریده طالب پور\*

استادیار دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۱۰/۲۵، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۸/۳/۹)

### چکیده:

قلمکارسازی یکی از هنرهایی است که از نظر تاریخی به ایران و هند متعلق است. هنر قلمکارسازی در هند تحت تاثیر هنر قلمکارسازی صفویه از نظر شیوه های تولید و نقوش قرار گرفته است. بررسی نمونه های برج مانده ی قلمکارهای هندی مربوط به قرون ۱۱/۱۷ الی ۱۳/۱۹ (میلادی/هجری) روشن می سازد که دو سبک در تولید قلمکار هند متداول بوده که عبارتند از: نقاشی با قلم و چاپ با سمه ای که گاهی با نقاشی با قلم نیز توأم می شد. در سبک اول، موضوعات قلمکارها را عناصر مذهبی آیین هندو تشکیل می دهد. در سبک دوم، تاثیر پذیری پارچه ها، که بیشتر کاربردی هستند، از طرح های ایرانی به وضوح دیده می شود. قلمکارسازان هندی با الهام از هنر دوره ی صفوی، منسوجاتی برای بازار ایران تولید کرده اند که در آنها آرایه های تزئینی و نقوش ایرانی به وفور دیده می شود. دامنه کاربرد بن مایه های تزئینی در قلمکارسازی هند بسیار وسیع است و شامل انواع آرایه های هندسی، گیاهی، حیوانی و نوشتاری می باشد. هم چنین ترکیب بندی نقوش روشن می سازد که چند ساختار اصلی در طرح های قلمکار موجود است که عبارتند از: طرح های محرابی، لچک و ترنج، درخت زندگی، شکارگاه و محرمان.

### واژه های کلیدی:

قلمکارسازی هند، شیوه ی تولید، آرایه های تزئینی، ساختار طرح ها.

## مقدمه

که بر آن به وسیله‌ی قالب و مهر نقوشی تصویر کرده باشند و آن را به اشکال پرده، سفره، رومیزی و غیره درآورند. قلمکارسازی ایجاد نقش بر روی پارچه‌ی مازو شده ساده به وسیله‌ی مهر و قالب‌های مخصوص است. در قلمکار سازی استادکار برای هر رنگی یک بار بر روی پارچه قالب می‌زند. اگر پارچه‌ی چهار رنگ بخواهد، پارچه ناگزیر چهار بار زیر دست استاد قلمکار ساز می‌رود. رنگ‌هایی که پیش از همه در قلمکار سازی به کار می‌رود عبارتند از: سیاه، قرمز، آبی و زرد" (معین، ۱۳۷۱، ۲۷۱۵).

در تولید قلمکار، رنگ و دندانه با دو روش روی پارچه به کار می‌رود که اغلب با یکدیگر نیز همراه هستند، که عبارتند از: نقاشی با استفاده از قلم و چاپ با سسه‌ای که با استفاده از قالب‌های حکاکی شده انجام می‌شود. در شیوه‌ی نقاشی، نقوش با قلم موی نازکی روی پارچه کشیده می‌شوند. قلم به طور سنتی از چوب بامبو تهیه می‌شود که به یک سر آن الیاف یا مو متصل می‌کنند. قابل ذکر است که از قرن ۱۱/۱۷ به بعد از قلم‌های فلزی نیز استفاده شده است. پارچه‌ای که با این روش تهیه می‌شود را قلمکار (Kalamkar) می‌گویند. در روش دوم، رنگ و دندانه با استفاده از قالب‌های حکاکی شده روی پارچه زده می‌شود که در نتیجه طرح‌های ایجاد شده روی پارچه نسبت به روش اول ضخیم‌تر هستند. یکسان نبودن تولیدات، صرف زمان زیاد برای کار با قلم، بالا بودن قیمت تولید و هم‌چنین بالا بردن میزان تولیدات قلمکار، منجر به استفاده از قالب‌ها برای چاپ روی پارچه شده است. به نظر می‌رسد که به‌کارگیری چاپ با سسه‌ای به منظور افزایش میزان تولید پارچه‌های قلمکار، از اختراعات کارگاه‌های چاپ، در غرب هند باشد (Guy, 1998, 22). نکته‌ی قابل توجه این است که با متداول شدن قالب‌ها، نقاشی با قلم بر روی پارچه متروک نشد بلکه در ابتدا صنعتگران هر دو شیوه‌را با هم مورد استفاده قرار می‌دادند. برخی از نگاره‌ها به وسیله قالب و برخی دیگر نقاشی می‌شد. ولی با مرور زمان برای بالا بردن سرعت تولید، قلمکار سازی بیشتر با قالب متداول شد (اخوان چیت ساز، ۱۳۵۰، ۲). در روش نقش زنی با قلم محدودیتی در استفاده از رنگ‌های مختلف وجود ندارد، در صورتی که در نقش زنی با قالب امکان استفاده از رنگ‌های متنوع محدود است. هم‌چنین نقوشی که بر روی قالب‌ها مشخص می‌شود، آزادی و تنوع نقوشی را که با قلم به وجود می‌آید را از بین می‌برد (گلستان، ۱۳۵۷، ۷).

بر اساس مستندات موجود، اوج قلمکاری ایران مربوط به دوره‌ی صفوی می‌باشد. این هنر در شهر اصفهان با طرح‌های متنوع، کاربردهای بسیاری در زندگی روزمره‌ی مردم یافت. در رواج قلمکار سازی در اصفهان، اصفهانی می‌نویسد که: "چیزی که الحال (۱۳۰۰ق) ترقی و رواج دارد، قلمکار سازی است که به کمال صفا و خوبی ساخته می‌شود و چنان خوب رواج شده است که قلمکار صدرس و محلی بندر هند را شکسته و بازار آن را کاسد

در طول تاریخ تمدن بشری، هنرمندان و صنعتگران ایرانی خدمات ارزنده‌ای را به تمدن جهانی انجام داده‌اند. هنرهای تزیینی ایران مدت زیادی مورد توجه شرق شناسان بوده است. این هنرها با طرح‌هایی قوی، در دوره‌ی صفوی به اوج خود رسید و به واسطه‌ی ارتباط نزدیک با سلسله‌ی گورکانیان هند، تأثیرات زیاد و عمیقی بر هنرهای هند در آن دوره گذاشت. هنر هندو- ایرانی که تجلی هنر اسلامی در هند است در دوران مغولان شکوفا شد و تأثیر هنر و فرهنگ ایران بر هنر مینیاتور، پارچه بافی، قالی بافی و معماری سرزمین هند گسترش یافت.

قلمکار سازی در هند یکی از صنایعی است که تأثیر هنرمندان ایرانی بر فنون تولید، نقش و نگاره‌ها و کاربرد محصولات آن به وضوح دیده می‌شود. قلمکار سازی که در گذشته به آن چیت سازی<sup>۱</sup> می‌گفتند، یکی از صنایع بسیار کهن در ایران و هند است که متأسفانه در باره‌ی ریشه‌های تاریخی پیدایش آن مدارک متقنی در دست نیست. مدارک باستان شناسی حاکی از این است که فنون آماده سازی پارچه‌های پنبه‌ای و رنگرزی آنها با استفاده از دندانه‌های طبیعی<sup>۲</sup> در شمال هندوستان در هزاره‌ی سوم قبل از میلاد شناخته شده بود و ارتباط گسترده‌ی تجاری بین ایران و هند باعث نزدیکی این فنون بین دو کشور شده بود. از جمله این که هم زمان با حکومت صفویان، در شهرهایی از هند، مانند ماسولپاتنام (Masulipatnam) و مدرس (Madras)، به ترغیب امپراتور هند، اکبرگورکانی، پارچه‌های پنبه‌ای برای بازار ایران تهیه می‌شد. در تولید این منسوجات از طرح‌ها و نقوش ایرانی استفاده می‌کردند که احتمالاً به همت گروهی از هنرمندان و صنعتگران ایرانی که در آن مناطق ساکن بودند، انجام می‌شد. قلمکارها مصارف خانگی متعددی داشتند و به عنوان روانداز فرش، پرده، دیوارکوب، روپشتی، رویه صندلی، سجاده و لباس به کار می‌رفتند (فریه، ۱۳۷۴، ۱۶۸). دوره‌ی پرشکوه این صنعت نیز در ایران از زمان سلسله‌ی صفوی شروع و به دوره‌ی قاجار ختم می‌شود.

در قلمکار سازی پارچه با رنگ طرح دار می‌شود. برای جذب رنگ‌ها، پارچه باید در ابتدا دندانه داده شود تا به راحتی رنگ دلخواه را جذب کند. دندانه توسط قلم یا قالب روی پارچه به کار می‌رود. استفاده از قلم در فرایند تولید، به این روش نام قلمکاری داده است. قلمکاری (Kalamkari) واژه‌ای فارسی است که در زبان هندی به‌عاریت گرفته شده و به‌طور لغوی از دو واژه‌ی قلم (kalam) و کاری (kari) تشکیل شده و به مفهوم کار هنری است که با قلم انجام می‌شود (Gillow, 1999, 40).

علامه‌ی دهخدا در ذیل کلمه‌ی قلمکار آورده است: "نوعی از بافته‌ی رنگارنگ و الوان. چیزی که با قلم نقش کرده باشند. پارچه‌ای که بر روی آن نقش‌ها و گل‌ها با قلم نگارند". (دهخدا، ۱۳۷۲، ۱۵۶۳۵) در کتاب لغت‌نامه‌ی معین نیز در تعریف قلمکار آمده است که: "قلمکار پارچه‌ای ساده و مازو شده از کرباس و کتان و غیره است



کرده است" (الاصفهانى، ۱۳۶۸، ۱۲۳). هم چنین او به تجارت با سایر کشورها از جمله هند اشاره نموده و اذعان می‌دارد که شال و قلمکار از آنجا وارد ایران می‌شود و محصولات اصفهان از قبیل قلمکار و چیت و زری و برخی پارچه‌های دیگر به اکثر بلاد ایران فرستاده می‌شود که به علت تقلب، صنعت و تجارت بعضی از این مصنوعات تنزل یافته و نوع فرنگی آن رواج یافته است (همان، ۱۲۴ و ۱۲۵). در باره رواج قلمکاری در اصفهان نوشته شده است که: "قلمکار صنعت بسیار بزرگی است، سابق خیلی جمعیت و رواج داشته است، الان نسبت به پیش تضعیف کلی کرده است. در طی دوران صفویه تمام مغازه‌های بازار که اغلب در طبقه دوم بوده است و هم چنین سرای شاه و تیمچه‌های بازار همگی به صنعت قلمکار اختصاص داشته و روزگاری پر رونق برای قلمکارسازی سپری شده است" (تحویلدار، ۱۳۴۲، ۹۴).

مستشرقین و سیاحانی که در دوره صفوی به ایران آمده‌اند به بیان اوضاع سیاسی، اجتماعی و تجاری ایران پرداخته‌اند. از جمله راجر سیوری در کتاب ایران عصر صفوی چنین می‌گوید: "علاوه بر تولید مصنوعات بافته شده و زربفت و مخمل‌هایی با عالی‌ترین کیفیت، صنعتگران صفوی در گلدوزی و قلمکارسازی نیز که عبارت بود از نقش انداختن بر پارچه به وسیله قطعه چوب‌هایی با طرح‌های برجسته بسیار متنوع، بر گذشتگان پیشی جستند. صنعت نساجی در اصفهان وسعتی عظیم داشت و رئیس صنف نساجان یکی از قدرتمندترین افراد کشور بود" (سیوری، ۱۳۷۲، ۱۳۸). پیتر و دلواله در سفرنامه‌ی خود اشاره می‌کند که سکنه‌ی ایران از اقوام و ملل مختلفی تشکیل شده است و در میان خارجیانی که برای تجارت به ایران می‌آیند تعداد هندی‌ها به خصوص عده‌ای که به آنها بانیان گفته می‌شود و غالباً از گجرات

کرده است" (الاصفهانى، ۱۳۶۸، ۱۲۳). هم چنین او به تجارت با سایر کشورها از جمله هند اشاره نموده و اذعان می‌دارد که شال و قلمکار از آنجا وارد ایران می‌شود و محصولات اصفهان از قبیل قلمکار و چیت و زری و برخی پارچه‌های دیگر به اکثر بلاد ایران فرستاده می‌شود که به علت تقلب، صنعت و تجارت بعضی از این مصنوعات تنزل یافته و نوع فرنگی آن رواج یافته است (همان، ۱۲۴ و ۱۲۵). در باره رواج قلمکاری در اصفهان نوشته شده است که: "قلمکار صنعت بسیار بزرگی است، سابق خیلی جمعیت و رواج داشته است، الان نسبت به پیش تضعیف کلی کرده است. در طی دوران صفویه تمام مغازه‌های بازار که اغلب در طبقه دوم بوده است و هم چنین سرای شاه و تیمچه‌های بازار همگی به صنعت قلمکار اختصاص داشته و روزگاری پر رونق برای قلمکارسازی سپری شده است" (تحویلدار، ۱۳۴۲، ۹۴).

مستشرقین و سیاحانی که در دوره صفوی به ایران آمده‌اند به بیان اوضاع سیاسی، اجتماعی و تجاری ایران پرداخته‌اند. از جمله راجر سیوری در کتاب ایران عصر صفوی چنین می‌گوید: "علاوه بر تولید مصنوعات بافته شده و زربفت و مخمل‌هایی با عالی‌ترین کیفیت، صنعتگران صفوی در گلدوزی و قلمکارسازی نیز که عبارت بود از نقش انداختن بر پارچه به وسیله قطعه چوب‌هایی با طرح‌های برجسته بسیار متنوع، بر گذشتگان پیشی جستند. صنعت نساجی در اصفهان وسعتی عظیم داشت و رئیس صنف نساجان یکی از قدرتمندترین افراد کشور بود" (سیوری، ۱۳۷۲، ۱۳۸). پیتر و دلواله در سفرنامه‌ی خود اشاره می‌کند که سکنه‌ی ایران از اقوام و ملل مختلفی تشکیل شده است و در میان خارجیانی که برای تجارت به ایران می‌آیند تعداد هندی‌ها به خصوص عده‌ای که به آنها بانیان گفته می‌شود و غالباً از گجرات

## قلمکار سازی در هند

در هندوستان فنون قلمکار سازی نسل به نسل و سینه به سینه منتقل شده است. دو شیوه‌ی متمایز در تولید قلمکار در شهرهای کالا هستی (Kalahasti) و ماسولپاتنام (Masulipatnam) موجود است. تنها فرق مهم این دو سبک در این است که در سبک کالاهستی، نقاشی کاملاً بر اساس کار آزاد یا قلم بر روی پارچه است. لذا تعداد مراحل کار روی پارچه بیشتر است، اما در سبک ماسولپاتنام از قالب چاپ برای ایجاد نقوش استفاده می‌شود.

در شهر کالاهستی برای قلمکار سازی در ابتدا طراحی آزاد یک موضوع روی پارچه با دست انجام می‌شود و سپس جزئیات طرح با قلم و یا استفاده از رنگ‌های طبیعی نقاشی می‌شود. این شیوه بیشتر در اطراف معابد هندو گسترش یافته است. زیرا قلمکاران تحت حمایت معابد محلی کار می‌کردند، لذا تولیدات آنها دارای ویژگی‌های مذهبی است. این تولیدات که شامل تصاویر خدایان

هنر قلمکار سازی در هند بسیار کهن است و اولین نمونه‌های شناخته شده از پارچه‌های چاپی هندی، پارچه‌هایی هستند که از فسطاط مصر یافت شده‌اند. در این پارچه‌ها دو شیوه‌ی تولید دیده می‌شود: پارچه‌های طرح داری که با چاپ باسمه‌ای تولید شده‌اند و پارچه‌های طرح داری که با استفاده از نقاشی تهیه شده‌اند. بنا بر این، معلوم می‌شود که هنر نقاشی و چاپ پارچه در گذشته با یکدیگر مورد استفاده بوده‌اند (Singh, 2000, 70). در قرون میانه این هنر در دوره‌ی حکومت مسلمانان شیعه قطب شاهی در گلکنده (Golconda) در حیدرآباد هند، شکوفا شد، به نحوی که انواع پارچه‌های تولید شده‌ی آن به سوی بازار ایران سرازیر می‌شد. پادشاهان این ناحیه با حکومت صفویه در ایران ارتباط نزدیکی داشتند و پارچه‌هایی تولید می‌کردند که شامل طرح‌ها و نقوش ایرانی بود و همین ارتباط با ایران به این پارچه‌های نقاشی شده نام قلمکاری داد.

تثبیت رنگ سیاه روی پارچه کمک موثری می‌کند. سپس پارچه خشک شده و برای طراحی روی میز مخصوص قرار می‌گیرد. طرح مورد نظر توسط طراح به طور ذهنی یا از روی یک الگوی از پیش تعیین شده با زغال روی سطح پارچه کشیده می‌شود. سپس با استفاده از قلم چوبی (kalam) از جنس بامبو یا نخل خرما که به دندان آغشته شده است، خطوط دور طرح‌ها کشیده می‌شود. این روش قلم زنی روی پارچه، منجر به ایجاد طرح‌های ظریفی می‌شود. استفاده از دندان فرایند مثبتی است که در آن رنگ‌ها فقط به ناحیه‌ای می‌چسبند که با دندان آغشته شده است. سپس قلمکارساز نقوش زمینه را رنگ می‌کند و بعد به تکمیل بقیه‌ی اشکال می‌پردازد. بعد از اتمام کار، پارچه در محلول شیرگاو فرو برده می‌شود تا از پس دادن رنگ‌ها در زمان شستشوی پارچه جلوگیری شود و پارچه شسته شده و خشک می‌شود.

نقاشی‌های مذهبی و حماسی قلمکاری کالاهستی عموماً به صورت چندین صفحه‌ی جداگانه هستند که هر یک بخشی از یک حماسه را نقل می‌کنند. بزرگ‌ترین صفحه، تمام داستان را تعریف می‌کند، اما همه‌ی تصاویر با یکدیگر ارتباط معنایی دارند و یک داستان واحد را از ابتدا تا انتها نشان می‌دهند. در زیر هر صفحه نیز نوشته‌هایی وجود دارد که در ارتباط با مضمون داستان است. این تصاویر تحت تاثیر ذوق و تمایلات شخصی هنرمندان بوده، لذا آنها باید موضوع داستان را کاملاً درک کرده باشند. از سویی دیگر حتی در بیان یک موضوع خاص دو تصویر شبیه هم نیستند (Chattoopadhyay, 1995, 40).

در قلمکارسازی شهر ماسولیپاتنام، ترکیبی از نقاشی دستی و چاپ باسما ای به کار می‌رود و پارچه‌های تولید شده غالباً به مصرف البسه می‌رسند. در این روش ابتدا پارچه سفیدگری شده و سپس در محلول میروبالان و شیر غوطه‌ور می‌شود. در مرحله‌ی بعد نقوش غالب زمینه شامل طرح گل‌ها، حیوانات و پرندگان با رنگ‌های سیاه و قرمز توسط قالب چاپ می‌شوند. سپس پارچه شسته شده و موم مذاب با قلم روی پارچه کشیده می‌شود. عمل موم زنی توسط زنان انجام می‌شود. بعد از پایان موم زنی پارچه در رنگ‌آبی نیل فرو برده می‌شود تا جزییات مورد نظر در طرح به رنگ‌آبی درآیند. با جوشاندن پارچه در آب، موم آن برطرف می‌شود. سپس از محلول زاج (دندان) برای تثبیت رنگ‌ها استفاده می‌شود و رنگ‌ها به طور دائمی روی پارچه ثابت می‌شوند. پارچه در انتها شسته شده و خشک می‌شود (Chattoopadhyay, 1995, 50). برای نقاشی روی پارچه از دو نوع قلم استفاده می‌شود: یکی برای موم زنی و دیگری برای رنگ کردن نقوش. معمولاً قلمی که برای موم زنی استفاده می‌شود، فلزی است که به یک سر آن الیاف مویی متصل شده است. اما قلمی که برای رنگ زنی استفاده می‌شود از چوب بامبو تهیه می‌شود (Guy, 1989, 34).

طرح‌های قلمکار در ماسولی پاتنام دارای ویژگی‌های ایرانی هستند. چاپ باسما ای سنتی غالباً برای طرح‌هایی مانند درختان، گل‌ها، برگ‌ها و اسلیمی‌ها به کار می‌رود. این طرح‌ها با توجه به

گونگون و داستان‌های حماسی است، به عنوان دیوارکوب و آویزها در معابد و منازل استفاده می‌شوند. نقوش این قلمکارها تصاویری از آیین هندو و داستان‌های حماسی مانند رامایانا<sup>۲</sup> (Ramayana) و مهابهاراتا<sup>۳</sup> (Mahabharata) و تصاویری از خدایان است. این هنر که در اطراف مکان‌های عبادی رشد کرده، علاوه بر این که مورد حمایت معابد واقع شده، خریدارانی نیز داشته که به رشد و شکوفایی آن کمک شایانی کرده است. در این روش صنعتگران در رنگ آمیزی پارچه‌های قلمکار از رنگ‌های طبیعی استفاده می‌کنند. معمولاً خطوط دور طرح‌ها به رنگ سیاه یا قهوه‌ای تیره کشیده می‌شود تا تصاویر از فاصله دور قابل تشخیص باشند. قلم هنوز هم در شهر کالاهستی که پارچه‌های قلمکار با شیوه‌ی سنتی در آن جا تهیه می‌شوند، به کار می‌رود. در شهر ماسولیپاتنام، هنرمندان بیشتر از روش چاپ باسما ای استفاده می‌کنند، اگرچه گاهی ترکیب چاپ باسما ای و نقاشی نیز به کار می‌رود. در این شیوه نقوش و تصاویر اصلی با قالب‌های چوبی حکاکی شده روی پارچه مهر زده می‌شود و سپس جزییات ظریف‌تر با قلم اجرا می‌شود. در قرن ۱۲/۱۸ قلمکارسازی این منطقه تحت تاثیر نقوش و طرح‌های ایرانی بود و بازار ایران با انواع پارچه‌های پنبه‌ای رنگارنگ تامین می‌شد. اگرچه در این زمان به علت بالا رفتن تقاضای بازارهای اروپایی برای چیت‌های هندی، این بازار متوجه اروپا شد؛ اما با صنعتی شدن نساجی و کاهش تقاضای اروپا برای پارچه‌های پنبه‌ای هند، در اواخر قرن ۱۲/۱۸ قلمکارسازی هند تنزل کرد. لذا ایران مجدداً به عنوان بازار مهمی برای هند مطرح و انواع تولیدات آن به سوی بازارهای ایران سرازیر شد (Singh, 2000, 72).

از سویی دیگر به علت گسترش صنعت باتیک در کشور اندونزی در قرن ۱۳/۱۹ که بازار مصرف مهمی برای محصولات هندی بود، صنعت تولید قلمکار هندی تضعیف گردید و فقط محصولات برای صادرات به ایران و رفع تقاضاهای بومی و معابد هندی تولید شد. اما با دستور حکومت وقت ایران در ۱۳۰۳/۱۹۲۴ واردات قلمکارهای هندی به ایران به منظور احیای صنایع دستی کشور ممنوع شد و در نتیجه این صنعت به تدریج در ماسولیپاتنام رو به تنزل گذاشت. بعد از اعلام استقلال هند، قلمکارسازی مجدداً مورد توجه مسئولین صنایع دستی هند قرار گرفت و مانند شیوه‌ای که در ایران مرسوم است، به کار گرفته شد و در حال حاضر مقداری پارچه‌های قلمکار تولید می‌شود (Cooper, 1996, 93).

## فرایند تولید قلمکار در هند

در سبک قلمکارسازی شهر کالاهستی، در ابتدا پارچه‌ی دست باف پنبه‌ای که از نخ‌های دست ریس تهیه شده است، در آب رودخانه شسته می‌شود تا آهار آن از بین برود. سپس پارچه در محلول میروبالان<sup>۵</sup> (myrobalan) قرار می‌گیرد. این محلول به



خیلی نزدیک به قلمکارسازی اصفهان بود که در آن زمان مقدار زیادی پارچه‌ی قلمکار نیز از ماسولیاتنام وارد می‌کرد (Dhamija, 1989, 155). کالاهایی که از این منطقه به ایران صادر می‌شد، عبارت بودند از: سجاده، آستر جامه، پرده‌ای، مجمعه پوش، دیوار آویز و انواع پوشش‌ها که با نقوش انواع گل‌ها و برگ‌ها، درخت‌ها و پرندگان تزیین می‌شد. در برخی از مناطق هند پارچه‌های قلمکاری می‌ساختند که در ظرافت و ریزه‌کاری با پارچه‌های ایرانی رقابت می‌کرد (گلاگ، ۱۳۵۵، ۱۸۹).

## مقایسه‌ی تحلیلی آثار قلمکاری ایران و هند

سبک‌های هنری ایران در دوره‌ی اسلامی کاملاً تزیینی هستند. تزیین در هنر اسلامی به صورت خوشنویسی، کاربرد انواع نقوش مانند نقوش گیاهی و هندسی تجلی یافته است. بررسی و مقایسه‌ی نقوش پارچه‌های قلمکار با سایر هنرهای ایران نشان می‌دهد که بین نقوش پارچه‌های قلمکار، قالی، کاشی و تا حدودی گچ بری و کنده‌کاری بر روی چوب شباهت‌هایی موجود است. احتمالاً طراحان نقوش قلمکار، قالی و کاشی با استفاده از طرح‌ها و نقوشی که در این صنایع هنری به کار می‌رفته و از تلفیق آن‌ها با هم طرح‌های جدیدی ایجاد می‌کردند. بیشتر نقوش قلمکار به خصوص در حاشیه‌های پارچه، به نقوش قالی‌های ایرانی شبیه است. تأثیرپذیری نقوش کاشی که اقتباسی از طرح‌های قالی‌ها و قلمکارها است در دوره‌ی صفویه بیشتر است (احسانی، ۱۳۵۰، ۱).

آثار بارز تأثیر هنر ایران بر منسوجات هندی در قلمکارهای آن هم دیده می‌شود. در آن زمان نزدیکی دو خاندان پادشاهی در ایران و هند، منجر به ایجاد ارتباط هنری تنگاتنگی شده که ابداعات و نوآوری‌هایی را در تولید انواع منسوجات به وجود آورده است. در مقایسه‌ی نمونه‌های قلمکاری هندی با نمونه‌های ایرانی می‌توان دریافت که هنرمندان و صنعتگران هندی با اقتباس از آثار ایرانی، زبان هنری جدیدی را در آثار خود به کار برده‌اند که از دو جنبه قابل بررسی است:

۱- آرایه‌های تزیینی به کار رفته در قلمکارها.

۲- ترکیب بندی و تلفیق طرح‌های قلمکار.

در مورد قدمت و کاربرد نگاره‌هایی که در قلمکارسازی ایران رواج دارد تا کنون تحقیقات چندانی صورت نگرفته است. مقایسه‌ی برخی از نقوش در قلمکارهای ایرانی و هندی در جدول ۱ و جدول ۲ نشان داده شده است. در مجموع، آرایه‌های تزیینی قلمکارها را می‌توان به شرح زیر طبقه بندی کرد:

**آرایه‌های هندسی:** در این آرایه‌ها، از اشکال مختلف هندسی و زاویه دار استفاده می‌شود و از شکل‌گیری خطوط افقی، عمودی و مورب اشکال هندسی یا ترکیبی به دست می‌آید. به طور مثال نقش خطوط راه راه از قدیمی‌ترین نقوش کاربردی است که به وفور در تزیینات به کار رفته است. این نقش در قلمکارسازی نیز به صورت

حسن رابطه‌ی تاریخی ایرانیان با این ناحیه، تأثیر هنرمندان مسلمان ایرانی را در کاربرد نقوش نشان می‌دهد. نقوش متداول این قلمکارها عبارتند از: درخت زندگی، آیات قرآن، محراب و طاق که با گل‌ها و برگ‌ها آراسته شده‌اند.

## تأثیرپذیری هنر هند از هنر ایران در دوره‌ی صفوی

تجارت و بازرگانی، مهاجرت مردم و اعتقادات مذهبی از عوامل موثر در ورود هنر ایران به هند در دوره‌ی باستان بود که به دنبال آن، عناصر هنر ایرانی در هنر هند نمایان شد. تبدلات متقابل هنری و فرهنگی بین کشور ایران و هند در دوران صفویان برقرار بود، به نحوی که تأثیرات هنری- فرهنگی دو کشور بر یکدیگر هم اکنون نیز قابل رویت و بررسی است. در این دوره صحنه‌های شکار، تصاویر حیوانات، باغ‌های بهشتی، درختان و پرندگان بر روی منسوجات ایرانی نقش می‌شد که این نقوش و تصاویر در دربار گورکانیان هند هم رواج یافته بود (Agrawl, 2003, 97). در این دوره تحت حمایت پادشاهان، هنر در هند شکوفا شد و صنعتگران هندی در زمینه‌های گوناگون هنری و فرهنگی از ایران پیروی می‌کردند. این مسئله با مهاجرت تعدادی از هنرمندان و صنعتگران ایرانی به هند، در پی یافتن حامیان جدید، رونق بیشتری گرفت. در این زمان میر سید علی و عبدالصمد<sup>۱</sup>، دو نقاش ایرانی که هنر آنها از مکتب بهزاد مایه می‌گرفت، نقش مهمی در نفوذ هنر ایران در دربار مغولان هند داشتند.

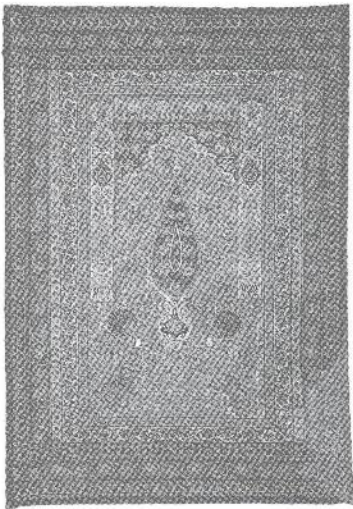
با توجه به موقعیت جغرافیایی و سابقه‌ی تاریخی، ایران و هند روابط نزدیک سیاسی، تجاری و فرهنگی داشتند، به نحوی که در کارگاه‌های پارچه باقی هند، منسوجاتی تولید می‌شد که از طرح‌ها و نقوش ایرانی مایه می‌گرفت و پارچه‌هایی برای بازار ایران بافته می‌شد (فریه، ۱۳۷۴، ۱۶۸). امتناع شاه طهماسب صفوی از هنرپروری و بی‌توجهی او نسبت به شاعران و هنرمندان، باعث مهاجرت گروهی از هنرمندان، شاعران و صنعتگران ایرانی به سایر کشورها از جمله هند گردید. در این دوره در هند، کارگاه‌های سلطنتی در نزدیکی قصرها بنا می‌شد و استادان زبردست بر تولید انواع مصنوعات نظارت می‌کردند. زیباترین صنایع دستی مانند جواهرات، سنگ‌ها و پارچه‌های زری، چاپی و گلدوزی شده در این دوره به وجود آمده است.

قرون ۱۱/۱۷ تا ۱۳/۱۹ دوران رونق صنعت قلمکارسازی است. در این دوران ویژگی‌های هنری هند و ایران به هم پیوسته و تشخیص محل تولید محصولات هنری مشترک دشوار بود. قلمکارسازی تا قرن ۱۱/۱۷ در ایران کاملاً رواج یافته و مراکز عمده‌ی تولید آن شامل شهرهای اصفهان، رشت، کاشان و یزد بود (گلاگ، ۱۳۵۵، ۱۸۷). تعدادی از هنرمندان ایرانی در ابتدای قرن ۱۲/۱۸ در شهر ماسولیاتنام فعالیت می‌کردند و شیوه‌ها و طرح‌های خود را به کار می‌گرفتند. به زودی تشخیص قلمکار هندی از قلمکار ایرانی بسیار مشکل شد، زیرا شیوه‌ی قلمکارسازی هند

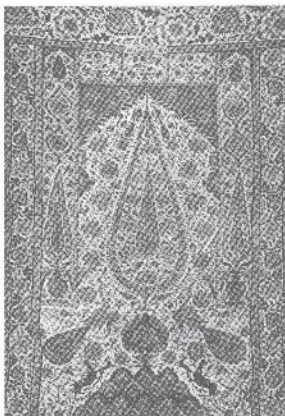
اشعار به کار رفته است (روح فر، ۱۳۸۰، ۵۲). خط هم به صورت کتیبه در قسمتی از قلمکار به کار می رود و هم در برخی موارد تمام متن را در بر می گیرد.

از لحاظ ترکیب بندی و تلفیق نقوش می توان نقوش قلمکارها را به صورت زیر طبقه بندی نمود:

**طرح محرابی:** محراب یکی از عناصر معماری در ساختمان های مذهبی است. محراب در دوره ی اسلامی بدون استفاده از نقش پیکره تهیه می شد و از گل ها، برگ ها و خطوط در تزیین آن استفاده می شد. در این طرح که استفاده از آن در شیوه ی قلمکار هندی رواج دارد، ساختار کلی مشابه آنچه که در منسوجات، قالی های دست باف یا کاشی های هفت رنگ ایرانی دیده می شود، وجود دارد.



تصویر ۱- پارچه قلمکار هندی با طرح محراب و نقش سرو کهن که برای بازار ایران تهیه شده است. ماخذ: (Singh, 2000)



تصویر ۲- پارچه قلمکار - منقش با قالب - بروجرد ۱۲۷۷ هجری. ماخذ: (کلاک، ۱۳۵۵)

**طرح لچک و ترنج:** ترنج آرایه ای است که در مرکز کار قرار می گیرد و به صورت دایره، بیضی، لوزی، مستطیل یا مربع نمایان می شود. زمینه ی کار نیز ممکن است ساده باشد یا با انواع

منفرد و به خصوص در حاشیه اثر یا ترکیب با سایر آرایه ها به کار رفته است.

**آرایه های گیاهی:** اشکال مختلف گل بوته ها، نخل ها، نیلوفر آبی، برگ مو، انار و شاخ و برگ های گیاهی در تزیینات قلمکارها کاربرد زیادی دارند. نقش سرو از آرایه های تزیینی متداولی است که مکرراً به خصوص در قلمکارسازی به کار رفته است. قدیمی ترین تصاویر سرو در حجاری های تخت جمشید قابل رویت است. هم چنین درخت سرو به صورت گوناگونی در قالی ایرانی پدیدار گشته است. اصولاً درخت همیشه سبز سرو نشانه ای از جاودانگی و زندگی دائمی است. درخت در ایران دارای ارزش زیادی بوده و " ارزش درخت چنان بود که هر کس درختی را می شکست مجبور بود به جرم این گناه مبلغی بپردازد" (فره وشی، ۱۳۶۵، ۸۹).

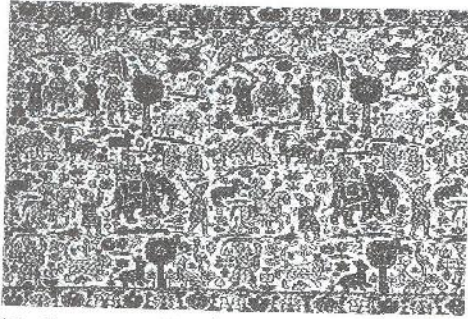
انواع گل ها مانند گل های ختایی و شاه عباسی از متداول ترین آرایه های تزیینی قلمکارها به شمار می آیند. نقش بته که اقتباسی از درخت سرو است (پرهام، ۱۳۸۴، ۱۰)، در قلمکارها به وفور دیده می شود. بته اقسام مختلفی دارد، از جمله بته میری که حالت کاج کوچکی دارد و بته ترمه ای که نموداری از سرو است. این نقش به صورت منفرد و مستقل و گاهی نیز در ترکیب با سایر نگاره ها به کار می رود. هم چنین، نقوش اسلیمی که در آن شکل غنچه، گل، شاخ و برگ گیاهان به کار رفته، به وفور استفاده می شود. شکل اصلی آن را شاخه های دورانی در میان برگ ها تشکیل می دهد که اغلب با آرایه ی ختایی همراه است مانند اسلیمی مارپیچ.

**آرایه های جانوری:** بیشتر حیوانات و پرندگانی که در تزیینات استفاده شده شامل حیوانات اهلی و وحشی و انواع پرندگان نظیر شیر، ببر، آهو، خرگوش، طاووس، مرغابی، اسب و باز است. به علاوه جانوران افسانه ای و ترکیبی و اژدها نیز به کار رفته است. **آرایه های تصویری:** در بین ممالک اسلامی، ایرانیان بیش از همه از نقوش انسان در تزیینات استفاده کرده اند. این نقوش غالباً برگرفته از زندگی درباریان بوده است، مانند پادشاهی که بر تخت نشسته یا در حال شکار است یا در حال جنگ یا بازی چوگان است. گاهی نیز مناظر رزمی، بزمی و حماسی از آثار شاعران نقش می شد. این هنر متأثر از فرهنگ عامه ی مردم نیز بوده است به همین دلیل تعدادی از نقوش آن را تصاویری تشکیل می دهد که قطعه شعری را به نمایش می گذارد یا قسمتی از یک داستان رزمی یا بزمی را نمایش می دهد. از جمله حوادثی که به خصوص در دوره ی قاجار بسیار مورد توجه قلمکارسازان قرار گرفته واقعه ی کربلا است. قلمکارسازان گاه به صورت تک پرده و گاهی به صورت چند پرده تصاویر این رویداد تاریخی - مذهبی را ارائه نموده اند (یاوری، ۱۳۸۵، ۳۴).

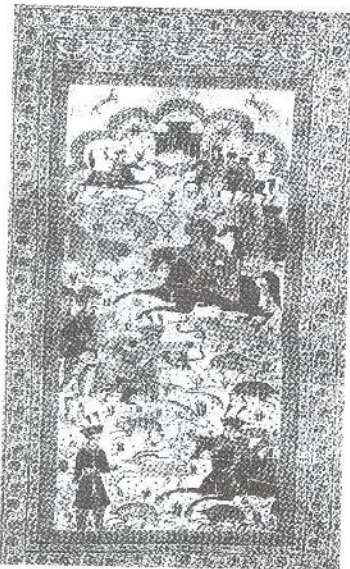
**آرایه های نوشتاری:** ایرانیان از اقوامی بودند که نوشتن را در تزیینات به کار برده اند. آیات قرآن، ادعیه، احادیث و اشعار از نمونه های کاربردی در آثار هنری هستند. خط نستعلیق در دوره ی صفوی در تزیینات پارچه ها در بیان آیات قرآن، ادعیه و احادیث و



ایرانی است که رنگ ساسانی دارد.

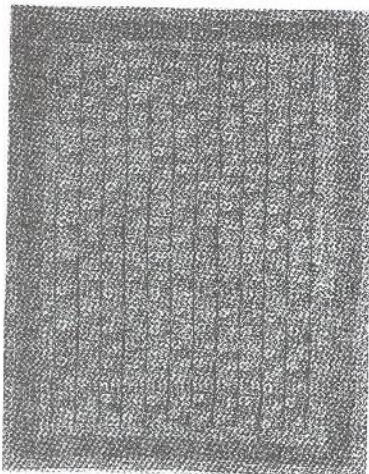


تصویر ۵- پارچه ی هندی با طرح شکار گاه در دوره ی گورکانیان. مأخذ: (Frank, 2004)



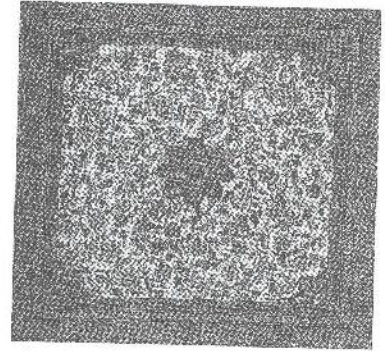
تصویر ۶- پرده ی قلمکار اصفهان سده ی نوزدهم میلادی. مأخذ: (یاوری، ۱۳۸۵)

**طرح محرّمات:** محرّمات طرحی به صورت راه راه در جهت عمودی است. نوارهای پهن و باریک رنگارنگ آن، شامل انواع نگاره های گل ها و گیاهان و اشکال هندسی است. کاربرد آن غالباً برای تزیین پرده ها یا دیوارکوب است.



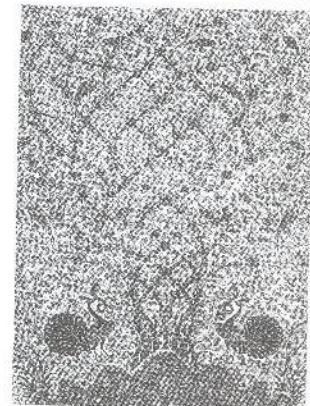
تصویر ۷- طرح محرّمات شامل گل ها در پرده ی هندی. مأخذ: (Gillow, 1999)

آرایه ها تزیین شود. لچک که یک طرح مثلثی شکل است، در چهار گوشه ی کار نمایان می شود و هر لچک شامل یک چهارم طرح ترنج است. این طرح در قلمکارهای هند بسیار رایج است.



تصویر ۳- قلمکار مربعی کار شهر ماسولینپانام با روش چاپ باسمه ای. مأخذ: (Singh, 2000)

**طرح درخت زندگی:** نقش درخت زندگی از قدیمی ترین نقوش مقدس ایرانیان است که در اشکال مختلفی در آثار هنری دیده می شود. درخت گاهی نقش غالبی در زمینه دارد و گاهی از داخل یک گلدان بزرگ رشد کرده و دارای شاخ، برگ و میوه است و گاه فاقد گلدان و میوه. از نقوش درختان متداول می توان کاج، سرو و بید مجنون را نام برد. طرح درخت زندگی در قرن ۱۲/۱۸ توسط هنرمندان هندی برای دیوار آویزها به کار می رفت و در قرن ۱۳/۱۹ نقش غالبی در کالاهای تجاری بود. نقش سرو در قلمکارهای ایران جایگزین تمثیلی برای درخت زندگی است که در این محصولات غالباً نقش دو طاووس در طرفین درخت سرو بزرگی دیده می شود، به تصویر ۲ مراجعه شود.

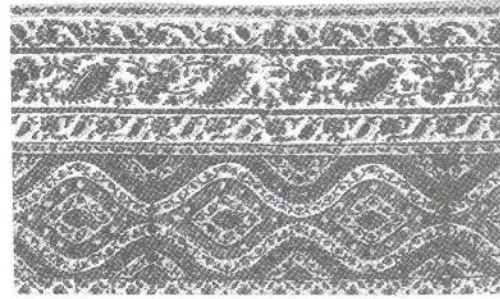


تصویر ۴- طرح نقاشی شده ی درخت زندگی بر منسوج هندی. مأخذ: (Singh, 2000)

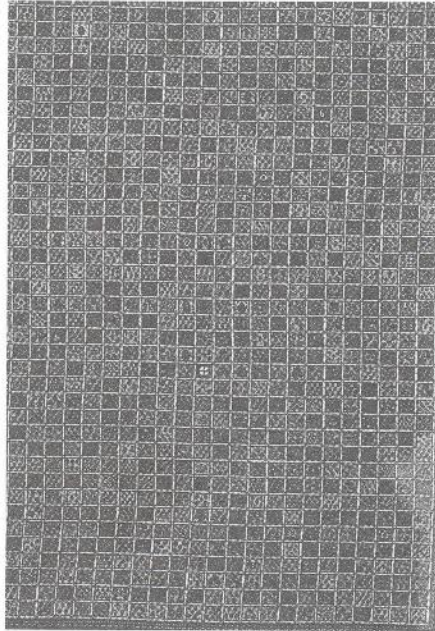
**طرح شکارگاه:** این نقشه شامل نقوش درختان، سوارکاران و جانوران است. در این طرح معمولاً سوارانی در حال شکار حیوانات هستند. در بخشی ممکن است صحنه ی درگیری جانوران نمایش داده شده باشد. گاهی حیواناتی مانند آهو و گوزن نیز در حال چرا دیده می شوند. تصویر شکارچیان سوار و پیاده با تیر و کمان همراه با شیران و پلنگان خشمگین که در تیرد هستند موضوع بسیار کهن



**طرح قابی:** این طرح از اشکال چند ضلعی تشکیل شده است که از به هم پیوستن چند پاره خط با تقسیم بندی منظم و به صورت تکراری در سطح، تشکیل می شود که به آن طرح قاب قابی هم گفته می شود. معمولاً درون هر قاب با نگاره های گیاهی و جانوری متفاوت با قاب دیگر یا هم شکل تزیین می شود.

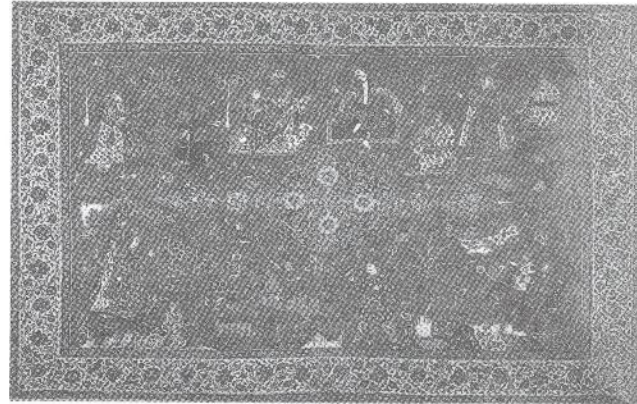


تصویر ۸- حاشیه محرمات- نقش حقه ریز در قلمکار ایرانی. مأخذ: (احسانی، ۱۳۵۰)



تصویر ۱۱- طرح قاب قابی منسوج هندی. مأخذ: (Singh, 2000)

**طرح تصویری:** موضوع این آثار صحنه هایی از شکار و بزم شاهان و شاهزادگان است. در دوره ی صفوی استفاده از موضوعات داستان های حماسی و عاشقانه ی ایرانی از ارکان تزیینات پارچه بود (روح فر، ۱۳۸۵، ۵۲). تصاویری از داستان های کهن ایرانی مانند شیرین و فرهاد و لیلی و مجنون توسط قلمکارسازان ایرانی در نقوش پارچه به کار رفته است. همان گونه که گفته شد در سبک قلمکارسازی کلاهیستی نیز این شیوه به کار می رود و قلمکارسازان از داستان های مذهبی و حماسی در قلمکارسازی اقتباس می نمایند.



تصویر ۹- پارچه ی قلمکار تصویری که برای بازار ایران در گلکند تهیه شده است. مأخذ: (Singh, 2000)



تصویر ۱۲- طرح بند رومی قلمکار ایرانی. مأخذ: (احسانی، ۱۳۵۰)



تصویر ۱۰- پارچه ابریشم صفوی ساخت کاشان. مأخذ: (Scott, 1993)



جدول ۱ - مقایسه‌ی تصویری نقوش ایرانی و هندی در متن آثار.

نام	نقوش (ایرانی)	نقوش (هندی)
حاشیه گلدار		
حاشیه گلدار		
حاشیه گل آثار		
حاشیه آتاری بیچ دار		
حاشیه دو گلی		

مأخذ: (یاوری، ۱۳۸۵؛ احسانی، ۱۳۵۰؛ Singh, 2000)

جدول ۲ - مقایسه‌ی تصویری نقوش ایرانی و هندی در حاشیه‌ی آثار قلمکار.

نام	نقوش (ایرانی)	نقوش (هندی)
گل هشت پر		
طاووس		
به نرمه ای ناج دار		
گل هشت پر		
درخت سرو (در حاشیه اثر)		
درخت سرو (در متن اثر)		

مأخذ: (یاوری، ۱۳۸۵؛ احسانی، ۱۳۵۰؛ Singh, 2000)

### نتیجه

در گذشته تجارت و بازرگانی با ایران برای هندوستان اهمیت زیادی داشت. به نحوی که در قرن ۱۸ میلادی صنعتگران ایرانی در شهرهایی مانند ماسولیپاتنام پارچه‌هایی مناسب مصرف بازار ایران تهیه می‌کردند. بر روی بسیاری از محصولات این ناحیه عبارات فارسی نوشته می‌شد و از نگاره‌های ایرانی مانند درخت زندگی، گل‌ها، اسلیمی‌ها و برگ‌ها در کارها استفاده می‌شد. هنرمندان هندی که برای مشتریان ایرانی خود قلمکار تهیه می‌کردند، ناچار به رعایت خواست و ذوق و علاقه‌ی آنان بودند.

شروع هنر قلمکاری با نقاشی قلم است که در ایران در دوره‌ی صفوی به اوج خود رسیده است. این هنر به تدریج با رواج قالب‌های حکاکی شده که به منظور افزایش میزان تولیدات صورت گرفته رو به زوال رفته است. طرح‌های نقاشی قلمکار در دوره صفوی غالباً خطوط اسلیمی و گل‌ها و مجالس رزم و بزم بزرگان است که به تدریج از نقاشی‌های عامیانه آن دوره نیز استفاده شده است و موضوعات مذهبی و اشعار شاعران به پرده‌های قلمکار راه یافته است. محصولات قلمکار سابقه‌ای بس طولانی در ایران دارند و همواره مصرف متعددی داشته است لذا همیشه با استقبال مردم نیز رو به رو بوده است.

هنرهای ایران پیوند نزدیکی با زندگی روزمره‌ی مردم دارند. این هنرها شبیه حلقه‌های متصل به هم از یکدیگر تأثیر گرفته‌اند به نحوی که امروزه تشابهات زیادی بین نقوش محصولات هنری مانند قالی، کاشی، تذهیب و قلمکار وجود دارد. آرایه‌های قلمکارها نیز اقتباسی واقعی یا نمادین از پدیده‌ها و موجودات محیط زندگی هنرمندان است. در قلمکارسازی نقوش زیبا و دلنشین با کمک رنگ‌های جذاب بر روی پارچه نقش می‌بندند و هر قطعه قلمکار برای خود شامکاری هنری محسوب می‌شود. این هنر که در سایه ذوق سرشار هنرمندان و صنعتگران رشد کرده است، هنری انتزاعی نیست و مجموعه‌ای از چندین هنر محسوب می‌شود، از قبیل: طراحی، نقاشی، رنگرزی و حکاکی. قلمکارسازی از نظر تاریخی به ایران و هند متعلق است. در برخی موارد تشخیص قلمکار ایرانی از هندی، به سبب شباهت‌های موجود در طرح و نقش، شیوه‌های تولید، مواد اولیه و رنگ‌کار مشکلی است. حضور صنعتگران ایرانی در تعدادی از شهرهای هند، تولید انبوه پارچه‌های قلمکار در هند، بازار مناسب ایران برای عرضه‌ی قلمکارهای هند و ارتباط نزدیک فرهنگی، سیاسی و تجاری پادشاهان صفوی با پادشاهان هند منجر شده است که اغلب طرح‌های قلمکار هندی مأخوذ از طرح‌های ایرانی باشد.

## پی‌نوشت‌ها:

- ۱ چیت: در زبان فارسی چیت به معنی پارچه‌ی چاپی است و این واژه در اصل هندی است.
- ۲ دندانه: دندانه‌ها املاح فلزی از خانواده‌ی عناصر واسطه هستند که باعث تثبیت و رنگ پذیری بیشتر الیاف پشم در رنگرزی با مواد رنگزای طبیعی می‌شوند.
- ۳ رامایانا: کتاب مقدس و حماسی رامایانا، زندگی راماهفتمین تجلی ویشنو است.
- ۴ مه‌بهاراتا: بزرگ‌ترین کتاب حماسی هند که در آن جنگ میان دو خاندان بزرگ توصیف شده است.
- ۵ میروبالان: عصاره نوعی میوه بومی هند که در عملیات قلمکارسازی به کار می‌رود.
- ۶ زمانی که همایون به هند برگشت، تعدادی از نقاشان دربار شاهی ایران، از جمله میر سید علی و عبدالصمد، را با خود به هند برد. میر سید علی ریاست تهیه و تدارک نسخه‌ی حمزه‌نامه را که همایون به راه انداخته بود بر عهده گرفت. عبدالصمد نیز در تبریز مهارت‌های خود را کسب کرده بود و اکبر شاه او را استاد خویش قرار داد.

## فهرست منابع:

- احسانی، عبدالحسین (۱۳۵۰)، مجموعه قلمکار ایران، بانک ملی ایران، تهران.
- اخوان چیت ساز، علی (۱۳۵۰)، صنعت قلمکار ایران، سازمان صنایع دستی ایران، تهران.
- الاصفهان‌ی، محمد بن محمد رضا (۱۲۶۸)، نصف جهان فی تعریف الاصفهان، به تصحیح منوچهر ستوده، امیرکبیر، تهران.
- پرهام، سیروس، از سرو تا بته (۱۲۸۴)، فصلنامه فرش دستیاف ایران، شماره ۲۵/۲۶، صص ۱۳-۸.
- تحویلدار اصفهان، میرزا حسین خان (۱۳۴۲)، جغرافیای اصفهان، به کوشش منوچهر ستوده، دانشگاه تهران، تهران.
- دل‌واله، پیترو (۱۳۷۰)، سفرنامه پیترو دل‌واله، ترجمه شعاع الدین شفا، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۱، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.
- دیولافوا، ژن (۱۳۷۷)، سفرنامه مادام دیولافوا، ترجمه بهرام فره‌وشی، قصه پرداز، تهران.
- روح قر، زهره (۱۳۸۰)، نگاهی بر پارچه باقی دوران اسلامی، پژوهشگاه سمت، تهران.
- سیوری، راجر (۱۳۷۲)، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، سحر، تهران.
- فره‌وشی، بهرام (۱۳۶۵)، ایران‌نوچ، دانشگاه تهران، تهران.
- فریه، ردلیو (۱۳۷۴)، هنرهای ایران، مترجم پرویز مرزبان، نشر فرزاد، تهران.
- گلاگ، جی، هیراموتو گلاگ سومی (۱۳۵۵)، سیری در صنایع دستی ایران، بانک ملی ایران، تهران.
- گلستان، کاوه (۱۳۵۷)، قلمکار، سازمان انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تهران.
- معین، محمد (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی، ج ۲، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- یاوری، حسین و سایرین (۱۳۸۵)، قلمکار اصفهان، فرهنگستان هنر، تهران.

Ames, Frank (2004), The Kashmir Shawl, Anttique Collectors' Club Ltd, U.K

Agrawal, Yashodhara (2003), Silk Brocade Lustre Press, Roli Books, New Delhi, India

Chattopadhyay, Kamaladevi (1995), Handicrafts of India, ICCR, New Delhi

Cooper, Ilay and John Gillow(1996), Arts and Crafts of India, Thames and Hudson Ltd, London

Dhamija, Jasleen & Jyotindra Jain (1989), Hand Woven Fabrics of India, Main Publishing PVT Ltd, Ahmedabad, India

Gillow, John & Nichola Barnard (1999), Traditional Indian Textiles, Thames and Hudson Ltd, London

Guy, John(1998), Woven Cargoes. Thames and Hudson Ltd. London

Scott, Philippa(1993), The Book of Silk, Thames and Hudson Ltd, London

Singh, Martand (2000), Handcrafted Indian Textiles, Lustre Press, Roli Books, India